

رفتار اجتماعی و عاطفی در کودکان با ناتوانیهای یادگیری

تالیف: لورن
مترجم: رضا برادری

ناتوانیهای یادگیری، منجر به دیدگاههای متفاوتی در زمینه مداخله و درمان این مشکلات شده است. در این بخش ما، ماهیت ناتوانیهای مهارت اجتماعی، اختلالات عاطفی و مشکلات رفتاری مرتبط با اختلال نقص در توجه، مباحث مربوط به انگیزه و تحلیل رفتار و کنترل را بررسی می‌کنیم.

ناتوانی و مهارت‌های اجتماعی:

هر کدام از ما برای داشتن زندگی موفقیت آمیز به مهارت‌های اجتماعی نیاز داریم. مهارت‌های اجتماعی عبارتند از: توانایی سازماندهی تفکر و رفتار فردی به منظور داشتن یک جریان یکپارچه در رفتار، که به سوی اهداف بین فردی و اجتماعی پذیرفته شده از نظر فرهنگ، جریان داشته باشد. مهارت‌های اجتماعی شامل آن چیزی است که فرد می‌اندیشد و چگونگی رفتارهای وی در محیط اجتماعی می‌باشد. (ووگن ۱۹۹۱)

همانطور که در منابع نیز خاطر نشان شده است، بسیاری از تعاریف فعلی در زمینه ناتوانیهای یادگیری نقائصی را در مهارت‌های اجتماعی تحت عنوان ناتوانیهای یادگیری، مشخص می‌نمایند. برای مثال: مشکلات مربوط به مهارت‌های اجتماعی در تعاریف ارائه شده توسط (کمپته بین سازمانی در ناتوانیهای یادگیری) (۱۹۸۸) و (کمپته مشترک ملی تجدیدنظر شده در ناتوانیهای یادگیری) (۱۹۸۸) شامل نقائص موجود در مهارت‌های اجتماعی می‌باشد (هامیل ۱۹۹۰). ولی در حال حاضر در تعریف ملی از ناتوانیهای یادگیری که در قانون مربوط به آموزش و پرورش افراد دارای ناتوانیهای یادگیری آمده، مهارت‌های اجتماعی بطور

ناتوانیهای یادگیری، چیزی بیش از مشکلات تحصیلی است. درک گسترده معنای ناتوانیهای یادگیری، مستلزم در نظر گرفتن حوزه‌های عاطفی، رفتاری و اجتماعی می‌باشد. حال چگونه این مشکلات به یادگیری آموزشگاهی دست درازی می‌کنند؟ و چه راهبردهایی می‌توانند دانش‌آموزان را در چنین نیازهای غیر آموزشگاهی یاری نمایند؟

بخش‌تئوریهای این فصل، مفاهیم زیربنایی نیازهای عاطفی و اجتماعی ناتوانیهای یادگیری را مورد بررسی قرار میدهد در قسمت راهبردهای آموزشی، مداخلات و روشهایی برای کمک به ارتقاء شایستگی اجتماعی، بازسازی اعتمادبنفس و کنترل رفتار دانش‌آموزان مورد بحث قرار می‌گیرد.

نظریه‌ها:

توضیحات نظری متفاوت در زمینه ماهیت مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی دانش‌آموزان دارای

ضعف در قضاوت:

رشد درک اجتماعی از برخی جهات با رشد مهارت‌های تحصیلی نظیر خواندن یا ریاضیات مشابه دارد. در هر دو مورد، افراد می‌بایستی یاد بگیرند که فرایندها را پیش بینی کرده و نیز می‌بایستی نتایج واقعی را با نتایج مورد انتظار مقایسه نمایند و نهایتاً براساس چنین بازخوردی، افراد رفتار خود را با موقعیت متناسب نمایند.

اشخاص دارای مشکل در ادراک اجتماعی در هر کدام از این قدمها دارای مشکل هستند. آنها نمی‌توانند فرایندهای اجتماعی دیگران را پیش بینی نموده و قادر به حصول اطمینان نیستند که آیا رفتار اجتماعی فرد با رفتار پیش بینی شده تطابق دارد یا نه؟ علاوه بر این، آنها قادر نیستند که رفتار خود را در سایه چنین مقایسه‌هایی منطبق نمایند و در نتیجه مردم‌گریز و بی‌تفاوت بنظر می‌رسند. بطور مثال ممکن است بطور نامناسبی اطلاعات بسیار شخصی را در آشنایی‌های اتفاقی وارد کنند و در همین حال ممکن است ندانند که چطور برای داشتن یک رابطه مطلوب دوستانه با آنهایی که مایل هستند دوست شوند، سرمایه‌گذاری نمایند (اوزمان ۱۹۸۷)

نقص در درک اینکه دیگران چه احساس می‌کنند:

بنظر می‌رسد افراد دارای ناتوانیهای اجتماعی نسبت به همسالان خود توجه کمتری نسبت به احساسات دیگران دارند. ممکن است آنها بطور کلامی یا رفتاری بگونه‌ای نامطلوب عمل نمایند. زیرا آنها

و عاطفی ثانویه گردد. بطور کلی در زندگی، مشکل اجتماعی نسبت به ناکارآمدی تحصیلی، می‌تواند بسیار مشکل‌سازتر باشد.

تحقیقات نشان می‌دهند که برخی از دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری در موقعیتهای اجتماعی به گونه‌ای ضعیف عمل می‌کنند. این افراد ممکن است از نظر کلامی یا عملی در حد بهنجار یا بالاتر بوده اما در نیازهای اجتماعی اولیه خود در زندگی روزمره دارای مشکل می‌باشند. علاوه بر این، چنین نقائص اجتماعی می‌توانند ماهیتاً موجب شکست در یادگیری آموزشی شوند. (هیوز و شو میکر ۱۹۸۸، گریشام ۱۹۸۸). وضعیت بسیار پیچیده‌ای است - برخی افراد دارای ناتوانی اجتماعی بوده ولی از نظر تحصیلی مشکلی ندارند و برخی دیگر دارای ناتوانی یادگیری اجتماعی هستند.

خصوصیات یک ناتوانی اجتماعی:

درک اجتماعی، توانایی فهم موقعیتهای اجتماعی و به همان میزان حساسیت نسبت به احساسات دیگران است. دانش‌آموزان با نقائص ادراک اجتماعی در انواع فعالیتهای مستقل که انتظار می‌رود از کودکی با سن مشابه ایشان انجام دهد، ناتوان هستند. آنها در قضاوت، خلیقیات و نگرشهای مردم در محیط اجتماعی ناتوان بوده و نسبت به جو موقعیتهای اجتماعی غیر حساس هستند. آنها تمایل به بروز رفتارهای نامناسب و ایجاد نگرش نامطلوب دارند. برخی از خصوصیات ناتوانیهای اجتماعی چنین ارائه شده است:

مشخص بیان نشده است. (قانون عمومی ۴۷۶-۱۰۱)

یک اختلال مربوط به مهارت‌های اجتماعی، می‌تواند تقریباً تمام جنبه‌های زندگی دانش‌آموز را تحت تأثیر قرار دهد. زیرا موجب کاهش حساسیت نسبت به مردم و درک ضعیف از موقعیتهای اجتماعی می‌گردد. اختلال در مهارت‌های اجتماعی، احتمالاً فلج‌کننده‌ترین مشکلی است که یک دانش‌آموز می‌تواند داشته باشد. یکی از مکاتب، مشکل اجتماعی را به عنوان ناتوانی اولیه و جدای از مشکلات آموزشی و یادگیری مورد توجه قرار می‌دهد.

البته شکست در یادگیری، می‌تواند موجب مشکلات اجتماعی

نمی‌دانند نسبت به فردی که واکنش نشان می‌دهند، خوشحال یا ناراحت است یا اینکه پذیرا یا ناپذیر است. علاوه بر این، آنها نسبت به جو عمومی یک موقعیت اجتماعی، حساسیت لازم را ندارند.

بررسی نشان می‌دهد که افراد دارای ناتوانیهای اجتماعی در کشف یا درک سرنخهای سودمند اجتماعی که توسط دیگران داده می‌شوند، ضعیف هستند. این چنین عدم حساسیتی می‌تواند منشاء ایجاد مشکل در برقراری رابطه با همسالان و والدین گردد (سیلور ۱۹۹۲، بریان ۱۹۹۱). بطور مثال کودکان اغلب از وضعیت ظاهری والدین می‌توانند به وضعیت عاطفی آنها پی ببرند و می‌دانند در این موقع که آنها از سر کار به منزل بر می‌گردند از ایشان اجتناب کرده یا به طرفشان بروند. کودکان دارای نقص ادراک اجتماعی در برگزیدن علایم مفیدی که اغلب از چهره، وضعیت بدنی یا تن صدای افراد بدست می‌آیند ناتوان هستند و پیامی را که از این سرنخها کسب می‌شود، گم می‌کنند (سیلور ۱۹۹۲).

مشکل در اجتماعی شدن و دوست‌یابی

والدین کودکان دارای ناتوانیهای اجتماعی، گزارش می‌کنند که کودکانشان مشکلات قابل ملاحظه‌ای در دوست‌یابی دارند. در طی اوقاتی که کودک برنامه‌ای ندارد، مثل ساعات پس از مدرسه، تعطیلات آخر هفته و یا سایر تعطیلات، بطور خاص احساس رهاشدگی آنها شدید است. بررسی‌ها اثبات می‌کنند که مشاهده والدین نشان می‌دهد، زندگی اجتماعی

کودکانشان با سایرین متفاوت است. هنگامی که آنها برای تعاملات اولیه اجتماعی تلاش می‌کنند، اغلب نادیده گرفته می‌شوند. حتی غریبه‌ها نیز می‌توانند پس از حتی چند دقیقه مشاهده این کودکان از طریق نمایش ویدئویی آنها را شناسایی کنند (بریان ۱۹۹۱ و وگن ۱۹۹۱).

در مکالمه با دیگران دانش آموزان دارای ناتوانیهای اجتماعی تمایل به ساخت جملات نامطبوع و مناقشه آمیز دارند. در هنگام کار با گروه هم سن در مقابل ابتکارات همسالان برای کارهای گروهی مقاومت نشان می‌دهند. آنها اغلب حسود بنظر رسیده و احتمال زیادی دارد که نادیده گرفته شده یا از نظر اجتماعی مطرود شوند. (بارسک ۱۹۸۹، بریان ۱۹۸۶، پرل، داناو و بریان ۱۹۸۶).

مشکل در پایه‌ریزی ارتباطات خانوادگی

خانواده جوهره زندگی کودک بوده و او شدیداً نیازمند ارضاء و اطمینان در خانواده اولیه می‌باشد. با این وجود از آنجائی که این کودک مشکلات بی شماری در رفتار اجتماعی، زبان و خلیقات دارد، حتی ارتباطات خانوادگی نیز به سختی برقرار می‌شود. کودک ممکن است از جو خانوادگی ارضاء نشده و بنظر می‌رسد تا اندازه‌ای از طرف والدین و به همان گونه همسالان و معلمین طرد شود. (سیلور ۱۹۹۲، بریان ۱۹۸۶)

ناتوانیهای اجتماعی در آموزشگاه:

موفقیت‌سازشی در مدرسه، خصوصاً در دوره ابتدایی، مستلزم شایستگی در مهارت‌های اجتماعی است. شایستگی‌های اجتماعی عمده

در مدرسه، شامل مهارتهایی همچون: اجتناب از قطع صحبتها، هنگامی که دیگران صحبت می‌کنند، رفع نیازهای ارتباطی به گونه‌ای که از نظر اجتماعی پذیرفته شده باشد، همکاری با دیگران، صبر کردن برای دیگران و توانایی پیگیری دستورات می‌باشد.

بررسی نشان می‌دهد که دانش آموزان دارای ناتوانیهای اجتماعی نمی‌توانند به خوبی با دیگران مواجه شده، و یا به خوبی از طرف همکلاسیها پذیرفته شوند. اغلب معلمان نظریاتی منفی، نسبت به آنها دارند. هنگامی که این کودکان تلاش می‌کنند که تعاملی اجتماعی با آموزگار خود داشته باشند، آموزگار اغلب، ایشان را نادیده می‌گیرد. آنها بیش از سایر دانش آموزان از معلمین تقویت منفی دریافت می‌نمایند و در مدرسه، بگونه‌ای نابهنجار رفتار می‌کنند. بسیار بی مسئولیت و حواس پرت هستند، در برقراری تعامل با معلم پیشگام بوده و در فعالیتهای غیر مولد شرکت می‌کنند. (بریان ۱۹۹۱، بریان ۱۹۸۶، داناو و بریان ۱۹۸۶).

خود پنداره ضعیف:

تجربیات موفقیت آمیز اجتماعی پدید آورنده خود پنداره - احساس خود ارزشی و توافق درونی است. خود پنداره‌ای که بوجود آورنده یک تجربه موفق می‌باشد. کمبود تجربیات موفقیت آمیز اجتماعی منجر به ناامیدی، سرخوردگی، کم شدن اعتماد بنفس و ضعف در خود پنداره می‌گردد.

نتایج احساسات ناشی از عدم شایستگی می‌تواند بر عملکرد تحصیلی نیز تأثیر بگذارد. مطالعاتی

مشکل در امر ادراک اجتماعی است. در WISC-III مقیاس هوشی و کسلر برای کودکان ویرایش سوم، هوشبهر او معادل ۱۲۷ بوده که این وی را از نظر هوشی در رتبه بالایی قرار می‌دهد. او اختصاصاً در بخشهایی که مستلزم پاسخهای کلامی و زبانی بوده عملکرد خوبی داشت. با این وجود در آزمون ترسیم آدمک گودیناف هریس نقاشی وی از یک انسان در رتبه درصدی ۶ برای حدود سنی وی قرار گرفت. جیمی در زمینه ادراک اجتماعی دارای مشکل بود ولی با این وجود در بسیاری از زمینه‌های آموزشی به نحو رضایت بخشی عمل می‌نمود. با این حال معلم وی مرتباً گزارش می‌کرد که رفتار اجتماعی وی در مدرسه عجیب و مشکل آفرین است. معلم زبان به لحاظ اینکه هرگاه دیگر دانش آموزان دچار اشتباه می‌شوند جیمی بگونه‌ای غیر عادی به شادی و خوشی می‌پرداخت او را از کلاس بیرون کرد. معلم دیگر گزارش کرد که وی نسبت به عملکرد غلط خود، خود آگاهی نداشته و جملاتی عجیب و غریب ساخته و به خوبی از طرف سایر دانش آموزان پذیرفته نمی‌شود. یکی دیگر از معلمان خاطر نشان می‌کند که جیمی مهارت‌های رشد یافته مربوط به موقعیتهای اجتماعی ندارد. با آن که وی مایل است از طرف دیگران مورد پذیرش واقع گردد و دوستی داشته باشد، ولی با این حال بنظر می‌رسد نسبت به رفتار مناسب در زمینه دوست‌یابی آگاهی نداشته و در عوض تمایل به دشمن‌تراشی دارد. همانگونه که بنظر می‌رسد در

رشد می‌باشد. با این وجود، نوجوانان دارای ناتوانیهای یادگیری دیگرگونه بوده و مشکلات اجتماعی عدیدهای دارند. به لحاظ ناتوانی در ورزش، خوش‌مشربی، همکاری در فعالیتهای مشترک با گروه هم‌سن، کم‌صحبتی و عدم توجه به صحبت دیگران منجر به عدم پذیرش اجتماعی نوجوانان دارای ناتوانی یادگیری می‌شود. برخی نوجوانان خود را به درون منزل کنار کشیده و برنامه خود را با تماشای تلویزیون و گوش کردن به موسیقی یا مطالعه پر می‌کنند. بقیه آنها نسبت به پذیرش اجتماعی بسیار نوسید می‌شوند زیرا که بطور کلی نسبت به فشار، آسیب‌پذیر بوده و رفتارهای نامناسب ایشان منجر به پدید آیی مشکل می‌شود. (سیلور ۱۹۹۲).

ناتوانیهای اجتماعی تداوم یافته و بر بسیاری از جنبه‌های زندگی بزرگسالی کودکان دارای ناتوانیهای یادگیری تأثیر می‌گذارد. احساس عدم کفایت و خودپنداره ضعیف استمرار داشته و شکست در برقراری روابط دوستانه و یافتن یک زندگی اجتماعی ارضاکنده ادامه می‌یابد، تا جایی که برای آنها در بزرگسالی مشکل ایجاد می‌نماید. علاوه بر این، مشکلات اجتماعی در مسائل شغلی نیز تداخل پیدا می‌کند. مشکلات در بدست آوردن یک شغل و حفظ آن عمدتاً جزء شکایت‌های اصلی بالغین دارای ناتوانیهای یادگیری می‌باشد. (آدلمن و وگن ۱۹۹۱).

یک مورد نمونه ناتوانی اجتماعی:
جیمی نه سال و نیم سن دارد و نمونه‌ای از یک دانش‌آموز دارای

که با استفاده از مقایسه‌های ویژه ارزیابی خودپنداره انجام شده‌اند نشان می‌دهند که دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای اجتماعی نگرشی بسیار منفی نسبت به خود داشته و ادراکاتشان از ارزش خود و اعتماد به نفس، بسیار پایین است. (سیلور ۱۹۹۲، بریان ۱۹۹۱، و وگن ۱۹۹۱).

ناتوانیهای اجتماعی در نوجوانان و بالغین

مشکلات اجتماعی اغلب تا نوجوانی و بلوغ ادامه یافته و دوستی‌ها، اشتغال و ارتباطات خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از تحقیقات نشان می‌دهد که نوجوانان دارای ناتوانیهای یادگیری کمتر در فعالیتهای مربوط به کارهای فوق برنامه شرکت کرده و نسبت به همکلاسه‌هایشان کمتر با دوستان خود معاشرت دارند. (هیزل و شومیکر ۱۹۸۸) با این حال، همانند بچه‌های سنین پایین‌تر، مشکلات اجتماعی خصوصیت پاره‌ای از نوجوانان دارای ناتوانیهای یادگیری می‌باشد. عده‌ای مشکلات اجتماعی نداشته و در محیط‌های اجتماعی به خوبی عمل می‌کنند. (هیزل و شومیکر ۱۹۸۸) برای آن دسته نوجوانانی که دارای ناتوانیهای اجتماعی هم هستند، نوجوانی، دوره بسیار طاقت فرسا است. در طی دوران نوجوانی، متفاوت بودن تحمل نمی‌شود. در عوض همانند دیگران بودن، ملاکی است که می‌بایستی رعایت شود، آن هم قبل از اینکه حسی از تفاوت و غرور ناشی از تفاوت‌های فردی پدیدار شود. پدیدار شدن احساس هویت به عنوان یک فرد، مهمترین مرحله در

دیگر دانش آموزان دارای ناتوانی در ادراک اجتماعی مصداق داشته باشد، جیمی نیز در مهارت‌های ادراکی - حرکتی ضعف داشته و بنظر می‌رسد که درک ضعیفی از روابط فضایی داشته باشد. گزارش روانشناس از ضعف در عملکرد ادراکی - حرکتی و هماهنگی فعالیتها در آزمون بندر گشتالت حکایت می‌کند.

آموزش مهارت‌های اجتماعی:

آموزش مهارت‌های اجتماعی در مقایسه با آموزش مهارت‌های تحصیلی، وظیفه‌ای بسیار خطیر است. روش‌های این آموزش شامل آموزش مستقیم، آموزش انفرادی، آموزش گروهی، ایفای نقش و آموزش راهبردها می‌باشد (هیزل و شومیکر ۱۹۸۸، سیلورمن و زیگموند ۱۹۸۳). در پایان این مقاله و در بخش مربوط به راهبردهای آموزشی، شیوه‌های ارتقاء توانمندی‌های اجتماعی ارائه شده است. در جدول ۲ این مقاله انواع برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی ارائه گردیده است.

مشکلات عاطفی:

زخم‌های عاطفی ناشی از شکست‌های مکرر و ناتوانی در کسب و ایجاد حسی از شایستگی و ارزشمندی خود، اغلب نازدودنی است. رشد روان پویا و ساختار شخصیت دارای معنایی ارزشمند برای درک پیامدهای عاطفی ناتوانی یادگیری می‌باشد. (سیلور ۱۹۹۲، هیزل ۱۹۸۷) با در نظر گرفتن مسائل عاطفی، سوال اساسی این است که دانش آموزان دارای

ناتوانی‌های یادگیری چگونه احساس می‌کنند؟

عوامل و اثرات مشکلات عاطفی:

در اینجا ابتدا رشد عاطفی و شخصیتی کودکان موفق با کودکان دارای ناتوانی‌های یادگیری مقایسه می‌شود. دانش آموزان موفق، مجموعه‌ای از تجربیات موفقیت آمیز برای رشد عواطف زیر بنایی ارزشمندی خود داشته و موقعیت‌های فراوانی برای خود ارضایی و به همان میزان لذت بردن از حضور دیگران، دارند. ارتباط والد - فرزندی بطور دو جانبه ارضا کننده است. زیرا خوش معاشرتی‌ها موجب برانگیختن پاسخ‌های پذیرش و تشویق می‌شوند. بر حسب برابری هر دو احساس درونی خوش معاشرتی و آگاهی ایشان از پذیرش آن احساسات، کودک موفق، احساسی از خودارزشی و هویتی غرور آمیز را در خود بوجود می‌آورد. آنها احساسی مثبت نسبت به تجربیات خود در جهان داشته و به همین منوال همانندسازی‌های سالمی با والدین و دیگر افراد مهم در زندگی خود بوجود می‌آورند. احساس خود ارزشی، تحمل نسبت به محرومیت و ملاحظه دیگران در رفتار اجتماعی بهنجار رشد می‌یابند (سیلور ۱۹۸۹، هیزل ۱۹۸۷). در مقابل، رشد عاطفی و شخصیتی دانش آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری از الگوهای کاملاً متفاوتی پیروی می‌کند. اگر نظام عصبی مرکزی دارای نقص بوده و به گونه‌ای غیر طبیعی رشد یافته باشد، احساس ارزشمندی خود ایجاد نمی‌شود. نقائص مربوط به رشد

ادراکی و حرکتی منجر به عدم رضایت از خود می‌شوند. تلاش‌های شکست خورده در غلبه بر تکالیف منجر به احساس ناکامی می‌گردد و بر خلاف ساختار اعتماد به نفس، تلاش‌های به مانع برخورد کرده باعث بوجود آوردن اعتقاد به تمسخر نسبت به خود شده و همزمان موجب شکست در برانگیختن پاسخ‌های والدین برای ایجاد هویتی غرور آمیز می‌شود. والدین مضطرب و بیمناک شده، بطوریکه ممکن است منجر به طرد یا حمایت بیش از حد از کودک گردد.

در مورد دانش آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری، احساسات درونیشان و پاسخ‌های محیطی، الگویی مفهومی از جهانی ناامن و تهدید کننده بوجود می‌آورد و نسبت به خود به عنوان افرادی نالایق و بدون هویت اظهار نظر می‌کنند. آنها از شهرت، موفقیت یا عواطف بطور طبیعی ارضاء نمی‌شوند.

ضربات خرد کننده به بالندگی شخصیتی ادامه یافته و در مدرسه افزایش می‌یابد. دونالد پری ۹ ساله است که در مدرسه متحمل شکست بوده و حقیقتاً موقعیتی برای موفقیت نداشته است.

وی خود پنداره و این اعتقاد را که او فردی با هویت شخصی معین می‌باشد را از دست داده است. در پاسخ به انجام یک تکلیف کلاسی در زمینه نگارش احوالات خود او بگونه‌ای رقت انگیز بیان نمود: "نام من دونا تدرنر است من بهنجار هستم" مدرسه ممکن است محلی باشد که برای کمبودهای این دانش آموزان امکاناتی را فراهم نیاورد، محلی که معلمان قادر به

تحصیلی، کمتر دچار تخریب می‌شوند. بنابراین برای بقاء احساس ارزشمندی خود، دانش‌آموزان نیازمند یک سیستم حفاظتی از طرف والدین، معلمان و گروه همسنی هستند که آگاهی دارند این قبیل دانش‌آموزان شایستگی‌های دیگری دارند. سیستم حفاظتی از سه طریق ارزشمندی خود آنها را یاری می‌نماید: اول با به حداقل رسانیدن شکست. دوم، ابراز و باز نمایی دانش‌آموزان دارای استعدادها، مهارت‌ها و شایستگی‌های غیر آموزشی (نهایتاً یک سیستم محافظت) از طریق تأکید بر اهداف یادگیری در مقابل اهداف عملی. برای مثال: دانش‌آموز می‌تواند برای انجام یک تکلیف از طریق صحیح آن مورد تشویق واقع شود (یک هدف یادگیری)، حتی اگر پاسخ نهایی صحیح نباشد. (هدف عملی) (مایر، ۱۹۸۳)

ادامه مطلب در شماره آینده

احساس ارزشمندی خود در جهتی مثبت قرار گیرد.

چنین عملکردهایی می‌توانند توانایی دانش‌آموز را در یادگیری ارتقاء داده و چشم انداز عاطفی او را تقویت نماید. شروع این چرخه تقویت متقابل، همان شروع درمان مؤثر است (سیلور و هاگین، ۱۹۹۰).

ساختار مفاهیم ارزشمندی خود:

با آن که احساس فرد از ارزشمندی خود، از طریق شکست پایدار مورد تهدید واقع می‌شود ولی جالب اینجاست که همه دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری اعتماد بنفس پائینی را در خود بوجود نمی‌آورند. (مایر، ۱۹۸۳). حال سؤال این است که چه عواملی از ارزشمندی خود و اعتماد بنفس در برخی از افراد دارای ناتوانی‌های یادگیری حراست می‌کنند؟ ارزشمندی خود از طریق تسلط بر یک مهارت یا فعالیت، از طریق دیدگاه گروه همسن و از طریق احساس شخصی نسبت به شایستگی کسب می‌گردد. دانش‌آموزانی که اعتقاد دارند (آنها شایستگی‌هایی در حوزه‌هایی غیر از کارهای آموزشی دارند)، بنظر می‌رسد از شکست‌های

درک مشکلات ایشان نیستند. عجب اینکه خصوصیت ناپایداری و غیرقابل پیش بینی بودن کودکان دارای ناتوانی یادگیری، ممکن است عامل یک شکست تحصیلی اتفاقی به حساب آید، آن هم هنگامی که آنها خوب عمل می‌کنند و چنین موفقیت‌های کوچکی می‌توانند موجب بدتر شدن اوضاع شوند. در مدرسه ممکن است که گفته شود کودک قادر به انجام کار خواهد بود، اگر بیشتر تلاش کند. شکست در اینجا بطور اختصاصی در واژه‌های رفتار ضعیف و یا رویکرد ضعیف بیان می‌گردد. سرزنش و ناپردباری معلم موجب تشدید اضطراب، سرخوردگی و سردرگمی دانش‌آموز می‌شود.

عجیب نیست که بسیاری از دانش‌آموزان دارای ناتوانی‌های یادگیری، مشکلات عاطفی را بسط می‌دهند. واکنش‌های آنها می‌تواند اشکال گوناگونی داشته باشد مانند: طرد آگاهانه یادگیری، دشمنی شدید، مقاومت در برابر فشار، اتکا به وابستگی، دل‌سردی فوری، ترس از عدم موفقیت و محدود کردن خویش در دنیای جداگانه. اگر مشکلات آنقدر شدید باشد که در یادگیری کودک تداخل نماید، می‌توان کودک را برای مشاوره روان‌شناختی یا روان‌پزشکی ارجاع نمود. (سیلور، ۱۹۹۲). تلاش برای تعیین اینکه آیا شکست در یادگیری یا مشکل عاطفی عامل تسریع کننده اولیه است، می‌تواند چندان اهمیتی نداشته باشد.

یک رویکرد بسیار سازنده، کمک به کودک برای انجام تکلیف تحصیلی است بطوری که